

انتخابات ۲۲ خرداد، جنبش مردمی و آغاز فرایند همبستگی ملی

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹

علی اصغر سلیمی

a.salimi@web.de

آخرین حلقه نمایش انتخاباتی ۲۲ خرداد قلب و دهن کجی بزرگ رژیم به ملت ایران است که در پی آن سرکوب وحشیانه، شوهای مطبوعاتی برای تثبیت دولت دروغ و کودتا تدارک دیده میشود. شناخت پویا و دقیق خواسته ها و مطالبات گوناگون مردم و فرارویی این فرایند، ارزیابی میزان دخایر و مخازن انرژی نیروهای شرکت کننده در این برآمد و جنبش دموکراسی شاغل و راهنمای حرکت داهیهانه و خردمندانه نیروهای آگاه جنبش مدنی و احزاب و سازمانهای سیاسی خواهد بود

برآمد مردمی کنونی نه تنها دربرگیرنده گروهها و قشرهای آگاه از قبیل جوانان و زنان و قشر متوسط جامعه، بلکه شامل وسیعترین گروههای مردمی متعلق به قشرهای پایین و یا سنتی و زحمتکشان حاشیه نشین شهرهای بزرگ و مردم شهرهای کوچک و روستاهای کشور میباشد. مردمی که با امید و آرزوی تغییر در وضعیت زندگی معیشتی و روزانه و تحقق ضروری ترین خواسته ها و حقوق شهروندیشان در ماهها و هفته های آخر قبل از انتخابات به تدریج جلب و جذب شعارهای انتخاباتی شده بودند و پای صندوقهای رای رفتند تا یکبار دیگر با این دولت و رژیم ناکارآمد ولایت فقیه دست و پنجه نرم کنند و یکبار دیگر نه با تف و تحریف و اهانت رژیم، بلکه با مشتهای آهنین ولی فقیه، پاسداران، نیروهای امنیتی و اوباشان بسیج روبرو شدند. نظامیان و اوباشانی که با اونفورم و لباس شخصی، با میلیاردها دلار پول نفت تامین مالی شده اند تا در شرایط مقاومت جنبش مدنی برای سرکوب و چنین کودتایی به میدان آیند در این برآمد جنبش مردمی که میتوان آن را بعنوان گام مهمی در رستاخیز سرتاسری مردم تلقی نمود، حدود نیمی از جوانان جمعیت زیر سی سال شرکت میکنند. زنان و مردانی که بیگانه با رژیم ولایت فقیه، تمام ساختارهای حقوقی و حقیقی قدرت ولایت فقیه و نظام عقب مانده و قرون وسطایی جمهوری اسلامی را بزیر سوال خواهند برد

این برآمد انقلابی تمامی سازمانهای مردم نهاد صنفی، مدنی، فرهنگی (غیر از تشکلهای اقتدارگرایان و پایگاه اجتماعی و بازوهای اجرایی آن) را در بر خواهد گرفت. نه تنها اصلاح طلبان حکومتی از هم اکنون آماج حملات کودتاگرانه رژیم گردیده اند، بلکه هواداران رفسنجانی یا بخشی از اصول گرایان که به بقای طولانی نظام می اندیشیدند، نیز باید جل و پلاس خود را جمع کنند حکومت فقیه - پاسدار وارد فاز جدیدی از اعمال سلطه و ایجاد و تمرکز و انحصار قدرت گردیده است. در چنین شرایطی مختصات کامل و زمینه تحولات ساختاری و بنیادی، چند جانبه جامعه - محور و دولت - محور فراهم آمده است، یعنی وسیعترین اقشار مردم همراه با نهادها و تشکلهایشان و بیشترین آمانگی برای پذیرش برنامه ها، فکرها و پروژه ها و شعارهایی جهت تغییر نظام ولایتی به میدان آمده اند. علاوه بر آن در داخل نظام اختلاف و کشمکش به بحران در سلطه منجر گردیده و زمینه فروپاشی رژیم فراهم آمده است. اکنون بخش کوچکی از هیئت حاکمه و نظام همراه با دستگاه سرکوبگر نظامی و صدا و سیما و روزنامه رسمی رژیم عزم مقابله و سرکوب جنبش دموکراسی و برآمد سرتاسری مردمی را دارد

بدین ترتیب توجه به نکات زیرین برای توانمندی و فرارویی مقاومت و جنبش مردمی حائز اهمیت است

در کشورمان مانند بسیاری از کشورهای دیگر در دهه های اخیر در تدارک نظام دموکراسی بوده اند، تحول ساختاری و بنیادین تنها در صورتی به کامیابی بی بازگشت خواهد انجامید که حرکت از پایین (مردم)، حرکت از بالا (بخش منتقد و اصلاح طلب حاکمیت) و حرکت از بیرون (ایرانیان برون از مرزها، سازمانها و نهادهای بین المللی و دولتهای مدافع حقوق بشر) بطور متقابل و موثر در هم آمیخته گردند و ساختار بازدارنده حقیقی و حقوقی قدرت را به زیر کشند و منکوب کنند

اکنون به درجات بالایی پایین (مردم) و بالا (اصلاح طلبان) در یک آرایش متقابل و هماهنگ به درهم آمیختگی فکری و دیدگاهی و کنشی و حرکتی جدید و پیچیده ای نائل آمده اند، که بنوبه خود درخور کنکاش و بررسی است. در این اوضاع عامل بیرونی (بوپژه حرکت گسترده پشتیبانی ایرانیان برون از مرزها) نقش تکمیلی موثری را ایفا خواهد کرد

در جامعه ما در جریان تجارب یکصد سال اخیر، تجربه و توان انباشته شده تحول خواهانه در طی مدت کمتر از یکسال و حتی چند ماه به یک حرکت عظیم انقلابی منجر گردید و برنامه ها، سیاستها، عملکردها و ساختارهای خود را تکمیل و طراحی نمود و از نو ساخت. اکنون نیز مردم در انتخابات 1388 با شعارهای دفاع از حقوق شهروندی، انتخابات آزاد، دفاع از حقوق زنان، نگهداری از نسل جوان و سلامت جسمانی و روانی آنان، تساوی حقوق قومیها و رفع تبعیض و دفاع از حقوق اقلیتها، تغییر در اوضاع اقتصادی همراه با گسترش بخش مولد، حل معضل اشتغال، خدمات درمانی و بیمه بیکاری و غیره رژیم اسلامی را به چالش کشیده اند بدون سراسیمگی و با اتکا به شعور تاریخی - تجربی و با آهنگ لازم باید در همه عرصه ها کوشید. باید با کاربرد تمام قوا و با نگاهی مدرن به تعهد اجتماعی و رسالت تاریخی یک شهروند آگاه، مستقلانه و همیارانه، به مقاومت و نافرمانی مدنی برخاست. ایستادگی و اعتراض در خیابانها، آغاز و گام مهمی در مقاومت است. از نافرمانی مدنی در بخشهای تولیدی و کلیدی اقتصادی یعنی صنعت نفت و صنایع سنگین، تا شبکه های خدماتی در همه نقاط کشور، تا مرحله محاصره مدنی رژیم فقیه - پاسدار میتوان صدها پروژه موثر ریز و درشت را شناسایی و به کار گرفت. تولید فکر و طراحی نقشه ها و راهکارها برای این نافرمانی مدنی و فرارویی آن به محاصره مدنی رژیم نیازمند کار و پیکار مداوم، خلاقانه، دلسوزانه و متعهدانه و روشمندانه همه شهروندان ایرانی در درون و برون مرزها است

برافراستن پرچم انتخابات آزاد با دفاع از آرای مردم در مقابله با دولت خلافکار، متقلب و کودتاگر همراه میباید. ابطال این تقلب - انتخاباتی، برگزاری مجدد یک انتخابات آزاد و سالم به هیچ وجه در دور دستها قرار نگرفته است. شهروندان میتوانند با امیدواری با باور راسخ و روشن به خود و نیرو و اراده ملی با کار و پیکار روشمندان و مداوم این امر را از یک تصمیم و برنامه به واقعیت مسلم تبدیل نمایند. آنگاه میتوان زودتر و سریعتر از آنچه که به فکر می‌رسد، شاهد تحقق این امر بود

- حرکت و جنبش مردمی و مدنی به شکل انتقالی و مولکول وار، به شکل جابجایی از بخشی از ملت به بخشی دیگر و یا از منطقه ای از کشور به ناحیه ای دیگر انجام میپذیرد. بخصوص در عصر ارتباطات و اینترنت با گردش آزاد اطلاعات، در امر آگاهگری و ارتقای افکار عمومی تسهیلات بیشتری فراهم آمده است. در این راستا رسانه ها و سایتهای دموکراتیک ایرانی در خارج از کشور بمثابه زرادخانه های کارا به این انتقال و جابجایی فکر و تجربه ملت کمک موثر می‌رسانند

- از آنجا که موسوی بعنوان کاندیدای اصلاح طلب با بیشترین آرا در این دوره، چنانچه انتخابش به قطعیت می‌رسید، خود با مشکلات زیادی روبرو میشد، زیرا وی بناچار همراه با دستگاه ولایت فقیه و تحت کنترل او و در چهارچوب قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی و احیانا همراه با اعمال قدرت از سوی یک "دولت پنهان" و ارگانهای مقننه و قضائیه و دستگاههای اداری و صدا و سیما، میبایست قدرت اجرایی را در تسهیم و مشارکت سازمان میداد. در آن صورت وی بدون پشتیبانی منتقدانه و نظارت و کنترل آگاهانه مردم، احزاب سیاسی و سازمانهای مردم نهاد و بنتهایی و همراه با گروه کوچکی از حامیان و هوادارانش (یعنی مدل خاتمی و اصلاحات از بالا) قادر به پیشبرد امر توسعه سیاسی در وضعیت پیچیده کنونی نمیتوانست باشد. از این رو نقش مردم، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، چه در صورت موفقیت موسوی و چه اکنون که او مسئولیت قوه مجریه را به عهده ندارد، حائز اهمیت و تعیین کننده است

- این تقلب بزرگ و توطئه فاجعه وار برای ملت ما ننگین و خفت آور است و موجب انگیزش به خیزش و رستاخیز قشرها و گروههای اجتماعی گردیده است. خاصه که این فشار موقعی به ملت تحمیل شده است که مردم در اوج یک روحیه تغییر و سازندگی ملی و گسترش آگاهی شهروندی بوده اند. این اقدام کودتاگرانه و ضد ملی در زمان و وضعیتی در کشور ما به اجرا گذارده شده است که نه تنها نیروهای اصلاح طلب درون رژیم، بلکه حتی برخی از سازمانها و نیروهای منتقدی همچون نهضت آزادی و ملی - مذهبی ها و برخی از آگاهان نسل جوان و نهادهای دانشجویی در گیرودار یک گفتمان و بحث پردامنه درباره چگونگی حرکت احتمالی دولت موسوی بودند

- از آنجا که مدل توسعه اصلاحات از بالا، بشکل توسعه سیاسی آرمانر و همراه و هماهنگ با اصولگرایان که در واقع با هماهنگی با نظام و اراده ولی فقیه و در چهارچوب قانون اساسی به پیش می‌رود (انگونه که موسوی تا آخرین روزهای قبل از 22 خرداد در بیانیه ها و نظرات خود بیان کرده بود)، یکجانبه، مردم گریز و نظام باور است، خود میتوانست سرمنشا مشکلات عدیده ای در امر تغییر جامعه گردد و موجب تردید در نیروهای اصلاح طلب و سردرگمی در گفتمان دموکراسی خواهی و ضعف و پراکندگی در امر تشکل و سازمانیابی نهادهای مردمی و درجازدن در جنبش شهروندی و پریشانی افکار عمومی گردد

- اکنون که این سقف حداقلی و این مدل توسعه سیاسی امکان ظهور نیافته است و جنبش مردمی نیز برای مقابله با کودتا و دفاع از آرای خود و رویارویی با تقلب بزرگ رژیم گسترش مییابد و فرارونده میشود، راههای پیشرفت تا پیروزی را نیز خواهد جست. همه نیروها، چه اصلاح طلبان حکومتی و چه سازمانهای سیاسی ناپیگیر منتقد رژیم در طی این حرکت ملت و فرایند فرارویی گفتمان و جنبش دموکراسی در برابر حکومت فقیه - پاسدار، خود شفافیت برنامه ای و دیدگاهی و صلاحیت بیشتری مییابند و در حل مشکلات آینده جامعه قاطعتر گشته و به اتکای جنبش مردمی و اراده سازمان یافته ملت قوی تر خواهند گردید

- تصمیم کودتاگرانه فقیه - پاسدار و این رویداد نامیمون برای ملت ایران از سویی هزینه های زیادی خواهد داشت و از سویی دیگر دستاوردهایی به بار خواهد آورد. ملت ایران راه و روش ویژه ای برای نیل به آزادی و دموکراسی را طی خواهد کرد. این ویژگی ها که موجب طولانی تر و دشوارتر شدن فرایند آزادی و دموکراسی در ایران است بنوبه خود موجب آگاهی بیشتر و فشردهگی صفوف همبسته ملت خواهد گردید. چنان که مشاهده میگردد آغاز فرایند همبستگی ملی هم اکنون و در روزهای اخیر در جنبشهای خیابانی، در محیطهای دانشجویی، در واحدهای کار و تولید به پیش می‌رود. در گفتگوهای همیارانه و متفاهم در همپرسیها و هم اندیشیهای مردم در همه نقاط کشور، در عزم و اراده شهروندان برای ایجاد نهادهای جدید و دفاع از خود در مقابل رژیم تجلی یافته و در برون از مرزها در همکاری و هماهنگی و مصداقی ایرانیان آگاه برای پشتیبانی از جنبش مردم و ارتباط و جلب حمایت آنها و ارتباط با سازمانهای بین المللی و در جلب حمایت دولتهای دیگر از جنبش مردم ایران تکامل مییابد

- فضای همبستگی ایرانیان که مدتهای طولانی رازآمیز و ابرالود مانده بود و کاریزمای رهبران و چهره های ملی و کوششهای منفصل سازمانهای سیاسی قادر به گشودن این قفل تاریخی تشنت و پراکندگی نشده بود، اکنون جهش وار، دری پس از در دیگر، دروازه ای بدنبال دروازه دیگر گشوده میشوند. قلبهایی در پی قلبهایی دیگر، دستهایی به همراه دستهای دیگر، چشمهایی به انتظار جرقه های روشنی بخش چشمهای دیگر به کار و پیکار خلاق و زایش و افزایش اراده رهایی ملی برخاسته اند

- آنچه که اکنون رخ داده است، در صورتیکه ما بخود آنیم نمیتوان گفت الزاما و تماما نتایج زیانبار و منفی بیار می آورد، اگر از این نگاه به رهایی انرژی و آمادگی برای تغییر و دفاع از حقوق شهروندی در بین مردم که راه یگانه شدن و همبستگی ملی را میبیمایند، بگیریم به جنبه های مثبت رویدادهای پس از انتخابات پی خواهیم برد

- نافرمانی های مدنی در کنار جنبشهای خیابانی و صفوف متحد گروههای مردمی میتوانند اوج گیرند. مردم نشان داده اند که میتوانند و میخواهند در تغییر و سازندگی بزرگی نقش ایفا کنند. اکنون آگاهان و نخبگان کشور در هر کجا که هستند باید به وظایف گوناگون خود پاسخ گویند. تولید فکر، تنظیم برنامه ها، جستجوی راه کارها، تشخیص و رفع موانع و عوامل بازدارنده در راه گسترش جنبش دموکراسی خواهی، همپرسی و هم اندیشی فروتنانه همه نیروها با یکدیگر از جمله اساسی ترین وظایفی هستند که در این زمان و موقعیت میتوانند نیروهای مردمی را همبسته تر نمایند

- ایرانیان برون مرزی پلهای ارتباطی مردم و جنبش مردمی توسعه یابنده و حلقه اتصال آنان با دنیای بیرونند. نقش ایران برای روند صلح در خاور میانه و جهان امروز بسیار مهم و کلیدی است. از حدود بیش از 3 میلیون ایرانیان خارج از کشور، دهها هزار نفر میتوانند به پشتیبانی از هم میهنان خود برخیزند. دهها سایت و رادیو و رسانه ارتباط جمعی، صدها کانون و نهاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هزاران شخصیت سیاسی - اجتماعی - فرهنگی و گروههای سیاسی دموکرات و مدافع حقوق بشر و آزادی و دموکراسی میتوانند با عشق و علاقه به ایران و ایرانی که امروز بیجا برخاسته است به این رستاخیز ملی کمک جدی برسانند. با حضور فعال و اعتراض علیه این متقلبان و بربرها و کودتاگران در جلوی سفارتخانه ها و کنسولگریها و یا دادخواهی و افشای رژیم در نزد جهانیان و سازمانهای بین المللی و کار گسترده در این راستا میتوانیم حرکت ایرانیان برون مرزی را گسترش داده و ارتقا بخشیم

- باور روشن و کار مسئولانه یکایک ما، همصدایی و هم اندیشی، همدلی و همبختی، همگامی و هماهنگی و سرانجام خیزش و رستاخیز همبسته ایرانیان کلید گشایش این دشواریها، تردیدها و ناکامی هاست. ایرانیان با همبستگی ملی خود در این نبرد تاریخی علیه جهل و خرافه قرون وسطائی حاکمان شیعی - اسلامی سرانجام نوزاد دموکراسی را شاداب و نیرومند به زندگی و حیات و بقا خواهند رساند

بذری دگر به سینه این دشت کاشتن
طرحی دگر به باغ بهاران نگاشتن
در رهگذار غارت طوفان ریشه کن
پیوند داشتن
رفتن ولی به لب
لیخند داشتن

.....
در پنجه های بسته تو این درنگ چیست؟
گاه درنگ نیست
پیش آی و باز شو
بر دست من بایست
بر دوش من بمان
همبسته با شکسته دل پر نیاز شو
.....

باشد به روزگاری از عهد ما نه دور
بینم به سایبان تو خورشید باده را
بینم به پایکوبی مستانه و سرود
انبوه خستگان غم از دل نهاده را